



## خلق اثر هنری در سرزمین تحت اشغال در گفت‌وگو با رهاب نزال، هنرمند فلسطینی

# بازنمایی فلسطین در غرب از منظر روایت صهیونیست‌هاست

### گفت‌وگو

#### فاطمه ترکاوشند

خبرنگار

روایت فلسطینی از فلسطین در جهان مهجور است. آنها که اسرائیل را تأمین مالی و تسلیحاتی می‌کنند، طبیعتاً حواس‌شان هست که مولود فاسد و زورچیان‌شده‌شان را در افکار عمومی جهان تنها نگذارند و مدام با موج کردن کلمات و پیچاندن جملات، آن را توجیه کنند. شاید این ستم‌رسانه‌ای در معکوس جلوه دادن ظالم و مظلوم دست‌کمی از خون‌های ریخته شده در خاک فلسطین نداشته باشد، چرا که توجیه ظلم، ضامن بقای ظالمان است. رهاب نزال، هنرمندی اصالتاً فلسطینی است که مانند بسیاری دیگر از فلسطینی‌ها به علت کوچ اجباری برای بیش از دو دهه در کانادا سکونت داشته اما حالا با اوج‌گیری حملات صهیونیست‌های اشغالگر به سرزمین مادری‌اش بازگشته تا با زبان آثار هنری‌اش، روایت فلسطینی را تقویت کند. آثار او، نه تنها به خاطر شکل پرداختن به موضوعات بلکه به خاطر صعوبت اتفاقات جاری در فلسطین در عین روزمرگی آنها، بسیار تکان‌دهنده هستند، چنان‌که در اولین پروژه‌اش پس از بازگشت به خاک مادری، تنها از راه رفتن در سرزمینی عکاسی کرده که تحت اشغال است و همان هم قاب‌هایی نمایشی و تأثیربرانگیز خلق کرده است. فیلم کوتاه درخشان او با نام «ارتعاشاتی از غزه» امسال در جشنواره مستند حقیقت به نمایش درآمد. گفت‌وگوسیا خانم رهاب نزال و بخشی از تجربه‌های سترگی را که از سرگذرانده، در ادامه می‌خوانید:

من آثارم را با واقعیت زنده مفهوم‌پردازی می‌کنم و انتخاب‌های زیبایشاناسانه‌ای را به کار می‌گیرم که با موضوعات مدنظرم برای ارائه مطابقت داشته باشند. من هنگام تصمیم‌گیری درباره محتوا با فرم آثارم هیچ محدودیتی برای خودم قائل نیستم. این شامل بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های مسائلی هم می‌شود که از طریق بدن و حواس ما مثل دیدن، شنیدن، حرکت و هر نوع مستندسازی، درگیرمان می‌کنند. با آثار مبتنی بر پژوهش، در واقع خودتان را در جامعه‌ای که آنها را بازنمایی می‌کنید، غرق می‌کنید و بیش‌تر یکی از اعضای آنها می‌شوید جای اینکه فقط یک مشاهده‌گر غایب باشید.

اولین پروژه من از این سری، پروژه «راه رفتن تحت اشغال» در سال ۲۰۰۷ بود. بعد از گذشت ۲۰ سال که از ورود به خاک فلسطین توسط نیروهای اشغالگر منع شده بودم، بالاخره در سال ۲۰۰۶ توانستم با مجوز ملاقاتی به سرزمین مادری‌ام بازگردم. چیزی که در آن سال دیدم و مرا خشمگین کرد نابودی سرزمین اجدادی‌ام و رنج کشیدن مردم بود که خشونت استعمارگرانه شهرک‌نشینان شرور را تحمل می‌کردند و هنوز هم می‌کنند. این مشاهدات مرا به شروع این پروژه واداشت.

پیش از آن، من روی نقاشی تمرکز داشتم اما در این پروژه زمینه‌کارم را به آثار مبتنی بر پژوهش تغییر دادم و از آن‌زمان تاکنون، همه آثارم ابتدا به ساکن مبتنی بر عکاسی، فیلم و صوت هستند و مشخصاً روی فلسطین و فلسطینی‌های بومی که برای آزادی مبارزه می‌کنند، تمرکز کرده‌ام.

پروژه «شکنجه صوتی» تجربه بسیار دشواری بود. عملاً برای زندانیان سیاسی سابق، یک کار دردناک می‌باشد. پرسه‌تولید فیلم‌ها یا کودکان ناشناخته‌ها؟

پروژه «شکنجه صوتی» تجربه بسیار دشواری بود. عملاً برای زندانیان سیاسی سابق، یک کار دردناک می‌باشد. پرسه‌تولید فیلم‌ها یا کودکان ناشناخته‌ها؟

پروژه «شکنجه صوتی» تجربه بسیار دشواری بود. عملاً برای زندانیان سیاسی سابق، یک کار دردناک می‌باشد. پرسه‌تولید فیلم‌ها یا کودکان ناشناخته‌ها؟

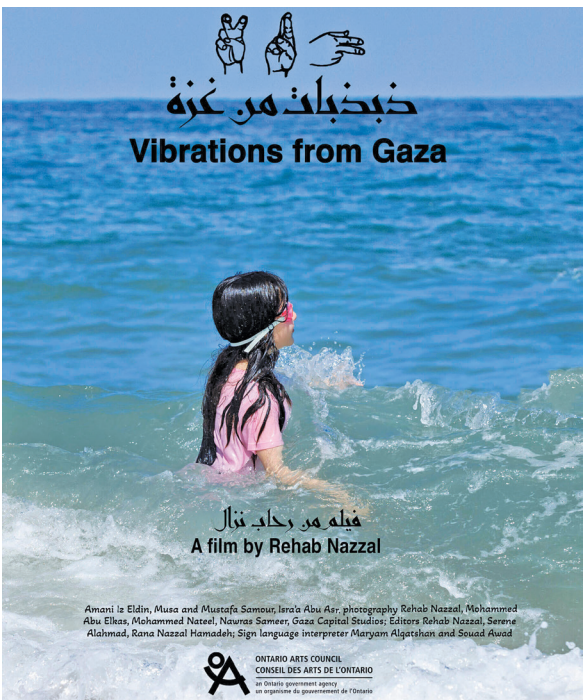
به پادشاه می‌آورد. مردان و زنانی که با آنها مصاحبه داشتم به شکنجه‌های فیزیکی و روانی وحشیانه‌ای که متحمل شدند اعتراف کردند که یکی از آنها بخش موسیقی و صداهای بسیار بلند برای روزهای متمادی بود. هر دو پروژه «شکنجه صوتی» و «ارتعاشاتی از غزه» روی استفاده اسرائیل از صدا برای ضربه زدن به فلسطینی‌ها تمرکز دارند. اولی به استفاده تسلیحاتی اسرائیل از انواع صوت شامل موسیقی برای شکنجه زندانیان فلسطینی می‌پردازد در حالی که دومی نشان می‌دهد چطور کودکان ناشنوا در نوار غزه از بمباران‌های مکرر اسرائیل از جمله سلاح‌های صوتی و صدای پهبادهای مهاجم جان سالم به در می‌برند. اما در مجموع، هر دو تأثیر اعمال خشونت اسرائیل بر سلامت فلسطینی‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند.

تولید فیلم کوتاه «ارتعاشاتی از غزه» اصلاً آسان نبود چون نیروهای اشغالگر از ورود به غزه از طریق کرانه باختری اشغالی جلوگیری می‌کردند. این باعث می‌شد مجبور به سفر از طریق مصر باشم و به جای یک ساعت، ورود به غزه، سه روز طول می‌کشید که شامل دو شب اقامت در کنار جاده در قاهره هم می‌شد.

ایده فیلم وقتی به ذهنم رسید که در سال ۲۰۲۱ یک هفته پس از حمله اسرائیل از طریق مصر به غزه سفر کردم تا در یک برنامه هنردرمانی به کودکان آسیب‌دیده کمک کنم. در همین زمان بود که تجربه کودکان ناشنوا را از نزدیک لمس کردم و تصمیم گرفتم سال بعد مجدداً سفر کنم تا روی این تجربه بیشتر تمرکز داشته باشم. جامعه «اطفالنا» برای کودکان ناشنوا در غزه، محل ملاقاتم با این بچه‌ها، بهترین‌جا برای آغاز کار بود.

این کودکان در فیلم به زبان اشاره توضیح می‌دهند که چطور صدای بمباران‌های اسرائیل را از طریق ارتعاشاتی در هوا و لرزش‌هایی در زمین حس و درک می‌کنند. این کودکان تحت اشغالگری نظامی وحشیانه‌ای حس و درک می‌کنند. این کودکان از حملات متعدد اسرائیل در سرزمینی دریا تحت محاصره هستند و جان سالم به در برده‌اند که ابعاد آن از ۳۶۰ کیلومتر تجاوز نمی‌کند! در طول پرسه‌تولید، این مسأله را مورد پرسش قرار دادم که آیا اختلالات شنوایی این کودکان، نتیجه استفاده اسرائیل از غزه به عنوان میدانی برای آزمایش کردن سلاح‌های جدیدش شامل سلاح‌های صوتی بوده است.

در نسل‌کشی جدید اسرائیل در غزه، سازمان مردم‌نهادی که این کودکان را نجات داده گزارش کرده که به‌طور متوسط روزانه بیش از ۱۰ کودک، در اثر بمباران‌ها یک یا هر دو پایشان را در غزه از دست می‌دهند. پیش از وحشت‌های جاری، آسیب‌های روانی کودکان در غزه به علت از دست دادن والدین‌شان، خانه‌هایشان، خواهر و برادرهایشان و دوستان‌شان بلافاصله پس از هر حمله اسرائیلی آشکار می‌شود؛ از جمله کابوس، کاهش وزن،



شباب‌داری، ترس از تنها خوابیدن، از دست دادن توان تمرکز و سایر نشانگان رایج PTSD یا همان استرس. با این حال، یکی از واقعیت‌های شگفت‌انگیز، نقشی است که این جامعه در کمک به بهبود کودکان آسیب‌دیده دارد. حمایت، عشق و مراقبتی که کودکان دریافت می‌کنند، مؤثرترین روش بهبود از نتایج آسیب‌های مداومی است که فلسطینی‌ها نسل به نسل در طول این ۷۵ سال اشغال متحمل شده‌اند. مراکز اجتماعی، مکان‌های عبادی و مدارس، مهم‌ترین محل‌ها برای بهبودی هستند. فعالیت‌هایی که شنا و هنرهای بیانی مثل نقاشی، مجسمه‌سازی بویژه در بازیابی سلامتی کودکان نقش قابل توجهی دارند. با توجه به قدرت شفابخش این دست مؤسسات و فضاهای اجتماعی، من شبتد خشمگین شدم وقتی دریافتم که اسرائیل در حملات اخیرش، مرکز ضد فلسطینی در مؤسسات هنر، مراکز تحصیلی و رسانه‌های غربی رایج است. تروریسم، اشغالگری نظامی، استعمار و آپارتاید اسرائیل، تحت عنوان «دفاع از خود» بازنمایی می‌شود در حالی که تصویرسازی از خود و مقاومت فلسطینی‌ها، «تروریسم» نام می‌گیرد. روایت فلسطینی‌ها و آزادی بیان، شامل آزادی هنری در کشورهای غربی سرکوب شده است. مثلاً در کانادا که من در آن ساکن هستم، زمانی که فلسطینی‌ها تجویبات خود را ارائه می‌دهند، مطالبات استعمارزایی یا بومی‌سازی ناگهان می‌شوند. کتاب «شرق‌شناسی» ادوارد سعید (۱۹۷۹م) سیستم‌های بازنمایی استعماری، غرب را در آنچه که شرق را عقب‌مانده و نیازمند مداخله غرب نمایش می‌داد، افشا کرد. صهیونیست‌های اروپایی که اسرائیل را بنا کردند چنین ایدئولوژی را در توجیه حذف فلسطینیان بنیان نهادند. برای مدتی مدید، فلسطین به

قوانین بین‌المللی و حقوق بشری محافظت می‌شود. اسرائیل با تروریسم، سلب مالکیت، پاکسازی قومی و اخراج اجباری دوسوم جمعیت فلسطین و تصرف زمین‌ها و خانه‌های آنها، همراه با تخریب بیش از ۵۰۰ شهر و روستا و محله‌های اصلی در شهرهای بزرگ پایه‌گذاری شد. سرپیچی اسرائیل از صدها راهکار سازمان ملل متحد از زمان پایه‌گذاری‌اش تا امروز، آن را تبدیل به دولتی شفاپسندی بدون هیچ‌گونه محدودیت و لزوم رعایت استانداردها در ارتکاب جرایم کرده است.

**چرا اسرائیل برای جرمی که در حق این کودکان مرتکب شده، به انجام جنایت جنگی متهم نمی‌شود؟**

اسرائیل باید به نسل‌کشی متهم شود؛ نه تنها به خاطر این کودکان ناشنوا بلکه به خاطر قتل بیش از ۲۳ هزار کودک در ۹۰ روز، مجروح ساختن ده‌ها هزار نفر از آنها و مجبور کردن صدها هزار نفر دیگر از آنان به مهاجرت. این تازه علاوه بر همه جنایات و جراثمی است که از سال ۱۹۴۷ مرتکب شده‌اند که شامل نسل‌کشی فعلی در غزه هم می‌شود.

به عنوان یک موجودیت استعماری مهاجرنشین که توسط قدرت‌های استعمارگر غربی، یا به‌گذار ی و پایدارسازی شده است، اسرائیل توسط این قدرت‌ها از جمله بریتانیا و ایالات متحده آمریکا، تأمین مالی و تسلیحاتی و در برابر پاسخگویی به

عنوان جایی «خالی» بازنمایی شد و فلسطینی‌ها «تروریست» نشان داده می‌شدند؛ درحالی که ستمگران و استعمارگران به عنوان «قربانیان» معرفی می‌شدند. با این حال، این وضعیت، درحال تغییر است چرا که مردم جهان دیگر به دولت‌ها، رسانه‌های جریان اصلی و مؤسسات هنری و دانشگاهی برای کسب اطلاعات و دانش متکی نیستند. با ارتباطات الکترونیکی، جهان پیوسته‌تر از قبل شده و این امکان، به مردم فرصت داده است تا تضادها، استانداردهای دوگانه و انحراف در بازنمایی را شناسایی کنند. در نهایت، مردم استعمارزده، سرکوب‌شده و تحت ستم در سراسر جهان، آرمان‌های مشترکی برای آزادی، کرامت، حقوق و مبارزات مشترک را با هم به اشتراک می‌گذارند.

**شما یک هنرمند فلسطینی اصیل هستید. چرایی ۲۵ سال از سوی نیروهای اشغالگر اسرائیلی از بازگشت به سرزمین مادری‌تان منع شدید؟ هیچ راهی وجود دارد که آثار هنری‌تان را از آثار جسمی گرفته تا فیلم، در فلسطین به نمایش بگذارید؟**

من در جنین، واقع در کرانه باختری که در سال ۱۹۴۷ تحت اشغال ارتش اسرائیل قرار گرفت، بزرگ شدم. پس از پایان دبیرستان، یک بورسیه تحصیلی از دانشگاه دمشق دریافت کردم. وقتی مدرکم را گرفتم، مسئولان اشغالگر اسرائیلی، حق بازگشت به خانه و خانواده‌ام را از من گرفتند. تنها من نبودم؛ ده‌ها هزار فلسطینی اهل کرانه باختری، چه دانشجویمان و چه آنها که برای کار از فلسطین خارج شده بودند، دیگر حق بازگشت نداشتند.

این تنها بخشی از پاکسازی قومی پنهانی است که اسرائیل با وضع قوانین خودساخته و کنترل رفت‌وآمد فلسطینی‌ها به بخش‌های اشغال شده فلسطین در سال ۱۹۴۷ انجام داد. در اورشلیم (بیت المقدس)، این وضع بسیار وخیم‌تر است چرا که در آنجا قوانینی وضع می‌شود تا رفت‌وآمد شهروندان را محدود کرده و حتی در اینکه عاشق چه کسی شوند و با چه کسی ازدواج کنند هم دخالت داشته باشند. من از عبارت «پاکسازی قومی پنهان» استفاده کردم چون اسرائیل مانع بازگشت همه پناهندگان روز نکتب که حالا تعدادشان متجاوز از شش میلیون نفر است، می‌شود. آنها کسانی هستند که در روز نکتب از سال ۱۹۴۸ به اجبار آواره شدند و حق بازگشت به خانه و سرزمین‌شان از آنها سلب شد. من در فلسطین، جاهایی مثل اورشلیم، غزه، رام‌الله، بیت‌لحم و جنین برخی آثارم را ارائه می‌دهم. ما همیشه تلاش می‌کنیم راه‌هایی برای عبور از محدودیت‌های اسرائیل پیدا کنیم.

**در سال ۲۰۱۵ در یک دوربینی به پای شما شلیک کردند و مجروح شدید. ماجرا چه بود؟ برای دیده‌بان‌های فرهنگی و زیرساخت‌ها نیز می‌شود.**

**حقوق بشری مهم نیست که نیروهای اشغالگر اسرائیلی حتی هنرمندان را هم هدف قرار می‌دهند؟**

در سال ۲۰۱۵ من در حال انجام تحقیقات برای مقطع دکترا در کرانه باختری بودم. بودجه این پژوهش را شورای تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی کانادا تأمین کرده بود. به عنوان بخشی از آن پژوهش، روی استفاده اسرائیل از آنچه «سلاح‌های کنترل جمعیت» نامیده می‌شود، علیه معترضان غیرمسلح در کرانه باختری که خواستار پایان دادن به اشغال نظامی بودند، تمرکز کردم.

درحالی که به تهنایی در یکی از خیابان‌های اصلی بیت‌لحم ایستاده بودم و داشتم با دوربینم از یک کامیون «اسکانک» تصویر می‌گرفتم که در حال پاشیدن یک سلاح بویایی متعفن ساخت اسرائیل به خانه‌های فلسطینی‌ها و مکان‌های عمومی بود که ناگهان یک تک‌تیرانداز اسرائیلی به پایم شلیک کرد.

وقتی آمبولانس رسید تا به من امداد رسانی کند، نیروهای اسرائیلی به سمت امدادگران گاز اشک‌آور زدند که این کار شدیداً نقض قوانین بین‌المللی محسوب می‌شد. خوشبختانه، گلوله استخوان‌ها یا عصب‌های اصلی از پایم رد شده بود.

من به عنوان یک عکاس که در حال ثبت وحشی‌گری اسرائیلی‌ها بودم، مورد هدف قرار گرفتم. اسرائیل از عکس و عکاسی می‌ترسد. از اینکه جنایات و وحشی‌گری‌های نیروها و شهروندان علیه حقوق فلسطینی‌ها به نمایش گذاشته شود، هراس دارد.

دولت کانادا و دانشگاه من درباره شلیک به یک شهروند کانادایی سکوت اختیار کردند. اگر من از ریشه فلسطینی نبودم، مطمئناً به واکنش آنها طور دیگری بود. این تنها یک نمونه از نژادپرستی ضد فلسطینی است که در کانادا و سایر کشورهای غربی رواج دارد. شاید این ماجرا تأکید مجددی بود بر اهمیت رسانه‌های مستندساز و تهدید آنها علیه قدرت ظالمان؛ این مسأله، مرا متوجه خطراتی می‌کند که روزنامه‌نگاران و عکاسان خبری در حال حاضر در غزه متحمل می‌شوند. هدف قرار دادن تعداد بی‌سابقه‌ای از روزنامه‌نگاران و عکاسان فلسطینی توسط اسرائیل، بویژه در غزه، برای پنهان کردن حشمت‌ناکارانه‌ترین جنایاتی است که علیه فلسطینی‌ها در حال انجام است.

طبق گزارش دیده‌بان حقوق بشر اروپا-مدیرانه در زرو، در سه ماه گذشته اسرائیل ۱۵ زوزنالیست را در غزه هدف قرار داده و به قتل رسانده است. این عدد از مجموع کشته‌شدگان حوزه خبر در جنگ جهانی دوم و جنگ ویتنام بیشتر است. همچنین جنایات اسرائیل شامل قتل کودکان و نوزادان، مهاجرت اجباری بخش بزرگی از جمعیت غزه از خانه‌هایشان، تخریب منازل مسکونی، مکان‌های عبادی، مدارس، مراکز فرهنگی و زیرساخت‌ها نیز می‌شود.

تولید فیلم کوتاه «ارتعاشاتی از غزه» اصلاً آسان نبود چون نیروهای اشغالگر از ورود به غزه از طریق کرانه باختری اشغالی جلوگیری می‌کردند. این باعث می‌شد مجبور به سفر از طریق مصر باشم و به جای یک ساعت، ورود به غزه، سه روز طول می‌کشید که شامل دو شب اقامت در کنار جاده در قاهره هم می‌شد.



بشر